

تأثیر ساختاری نقش گروه های آموزشی و بازرسی بر کیفیت عملکرد معلمان در مدارس

زینب الهامی^۱، کیانوش حسین زهی^۲، مریم حسینی^۳، سعید افشار^۴

^۱ کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی توریسم، دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان

^۳ کارشناسی جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان

^۴ کاردانی حسابداری، دانشگاه آزاد واحد آباد

چکیده

یکی از زیر بنایی ترین نهادهای تمامی جوامع بشری پس از خانواده، آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش به عنوان اساسی ترین نهاد تربیتی کشور پایه گذار شخصیت دینی، علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نسل آینده است. برای دستیابی به آموزش و پرورشی مطلوب و هدفمند، باید با بینشی عمیق متکی بر مطالعات جامع و با حصول صلاحیت های کاملاً تخصصی و حرفه ای و فعالیت هایی جهت دار و با در نظر گرفتن جنبه های مختلف به برنامه ریزی پرداخت. گروه های آموزشی به عنوان مجامع آموزشی، پرورشی و پژوهشی با این اندیشه به وجود آمده اند که ضمن برقراری تعامل و ارتباط سازنده بین دبیران و با جلب مشارکت آنان در فرآیند تعلیم و تربیت، زمینه استفاده از تجارب و اطلاعات علمی، آموزشی و حرفه ای صاحب نظران و دبیران در رابطه با روش های تدریس، شیوه های اندازه گیری و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، کاربرد تکنولوژی آموزشی، تقویت زمینه تحقیق و پژوهش در زمینه بررسی مسائل و مشکلات آموزش و پرورش و در نهایت بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی را فراهم آورند. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر ساختاری نقش گروه های آموزشی و بازرسی بر کیفیت عملکرد معلمان در مدارس و به روش توصیفی و از نوع تحلیل محتوا انجام شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که معلمان هر جامعه ای، اصلی ترین عنصر تاثیرگذار بر پیشرفت و بقا یک جامعه اند و عملکرد بهینه آنان می تواند تضمین کننده موفقیت یک جامعه باشد. نقش گروه های آموزشی به عنوان مشاور، ارزیاب، هماهنگ کننده و رهبر گروه در مدارس تأثیر قابل توجهی بر کیفیت عملکرد معلمان دارند.

واژه های کلیدی: معلم، عملکرد، گروه های آموزشی، کیفیت آموزش

مقدمه

انسان در آغاز تمدن به شکلی بسیار ساده به آموزش و پرورش فرزندان خود می پرداخت. بزرگترها به صورت عملی به پرورش کوچکترها می پرداختند و آنان را برای شایستگی عضویت در جامعه آماده می ساختند. این آمادگی از راه تجربه، تقلید و پیروی از دیگران و مشارکت فعال در کارهای زندگی حاصل می آمد. بدین سان با آنکه برای پروردن کودکان و نوجوانان نه آموزشگاهی، نه معلمی، نه کتابی و نه روش سنجیده و همگانی بود، کار پرورش و بارآوردن و آماده ساختن فرزندان برای پذیرفتن نقش و وظیفه هایشان بسیار شورانگیز بود. بزرگسالان همه نقش معلم داشتند و به شیوه ای کارساز و شایسته کودکان و نوجوانان را برای در پیش گرفتن راهی، که پدر و مادر برگزیده بودند، آماده می کردند. آموزش و پرورش مردمان ابتدایی، یک آموزش و پرورش طبیعی بود و در آموزشگاه واقعی جامعه، با مشارکت فعال کودکان و نوجوانان، از راههای شورانگیز و پرورشی برای سازگاری بسیار نزدیک و نهایی فرد با جامعه و محیط مادی و غیرمادی آن صورت می گرفت. [۱]

اما آموزش و پرورش در روزگار کنونی به پیروی از دگرگونی هایی که در جهان پدید آمده، تغییرات عمده ای یافته است و به عبارت دیگر کارآمدتر شده است.

سرعت شگفت انگیز تحولات علمی و فناوری در سطح جهان و توسعه و پیشرفت فناوری ارتباطات، امکان دسترسی آسان و سریع را به منابع علمی به طرز اعجاب آوری فراهم ساخته است و بی شک تحولات به وجود آمده محصول برنامه ریزی ها، سرمایه گذاری های مادی و تلاش خستگی ناپذیر دانشمندان و صاحبان فنون و مهارت در سطح جهان است. با توجه به سهم و کارکرد قابل توجه آموزش و پرورش در ایجاد دانش و فناوری نوین در نظام های آموزشی پیشرفته، لذا در جهان پیوسته در حال تغییر و تحول کنونی، کشوری پیشرو خواهد بود که دارای نظام آموزشی کارا، مترقی، منعطف و پویا باشد. [۲]

از ویژگی های بارز یک آموزش و پرورش کارآمد، استفاده از برنامه ریزی استراتژیک به عنوان یک فرآیند پویا با دورنگری نسبت به واقعیات و موقعیت های موجود، ارائه راهبرد ها و تاکتیک های موثر برای رسیدن به فردای بهتر را امکان پذیر می سازد. در این نوع برنامه ریزی، مشارکت افراد ذی نفع و ذی ربط با تعریف آینده مطلوب و شناخت وضعیت موجود به تعیین نیازها می پردازند و برای رفع آنها به گونه ای «فراکنشی» اقدام می کنند. [۳] بهره گیری صحیح از سیاست های اصلاحی به دور از هر گونه افراط و تفریط و یا تعصب کورکورانه می تواند دگرگونی های مثبتی را در سیستم آموزشی ایجاد کند. کوشش در جهت اصلاحات آموزش و پرورش، مشروط بر ایجاد هماهنگی و تجانس در لایه های مختلف نظام آموزش، قرین با توفیق خواهد بود. یکی از ارکان اساسی هر نظام آموزشی، معلمان هستند که وظیفه انتقال دانش، ایجاد بینش و افزایش مهارت دانش آموزان را در چارچوب نظام آموزشی به عهده دارند. موفقیت بخش های آموزشی در تربیت دانش آموزان، به طور معنی داری از راه دسترسی معلمان و مشارکت آن ها در فعالیت های توسعه حرفه ای با کیفیت، تحت تاثیر قرار می گیرد. توسعه حرفه ای معلمان و مدیران نقش حیاتی در فعالیت های اصلاحی مدارس دارد. توسعه حرفه ای معلمان عبارت است از فرآیندها و فعالیت های طرح ریزی شده به منظور افزایش دانش، مهارت ها و نگرش های حرفه ای معلمان تا اینکه بتوانند موجب بهبود یادگیری دانش آموزان شوند. [۴]

آموزش و پرورش ما محتاج شکستن حصارهای سنتی می باشد که بر اساس آنها معلمان باید همه وقت زندگی حرفه ای خود را داخل کلاسها صرف کند و پیشرفت حرفه ای به هیچ چیزی بیش از این نیاز ندارد. اگر بنا باشد مدارس مکانهایی برای پیشرفت و تشخیص قوا و قابلیت های دانش آموزان باشد متقابلاً باید مکانهایی برای پیشرفت و تشخیص قوا و قابلیت های معلمان نیز باشد. [۵]

معلمان به دلیل نقش و اهمیتی که در فرآیند تعلیم و تربیت دارند، از ارکان اصلی آموزش و پرورش به شمار می روند و باید مشارکت آنان در برنامه ریزی های تربیتی و آموزشی و اداری مورد تشویق و تأکید قرار گیرد. آشنایی معلمان با خصوصیات و نیازهای روان شناختی و تربیتی دانش آموزان و تسلط تخصصی آنان بر محتوای دروس، برنامه ریزی آموزشی و روشهای یاددهی و یادگیری و شناخت از مسایل و مشکلات و نیازهای اجتماعی از جمله عواملی هستند که گروههای آموزشی و مشارکت معلمان را در برنامه ریزی آموزش و پرورش و بهینه سازی جریان تعلیم و تربیت توجیه می کند.

گروههای آموزشی به عنوان اعضاء جامعه دبیران با داشتن جایگاهی رسمی و به عنوان یک شکل تخصصی برخاسته از جامعه دبیران، سعی در بر آوردن بخشی از نیازها و انتظارات جامعه آموزشی دارد. این مجموعه علاوه بر مسؤولیت های فوق وظیفه دارند بنیان های علمی، ابزاری و تکنولوژیکی سیستم های آموزشی را بررسی، کنترل و ارزشیابی نمایند و با طراحی، سازماندهی، برنامه ریزی و اعمال اصل هدایت و رهبری آموزشی به حمایت از سایر دبیران و دانش آموزان که از ارکان صلی آموزش و پرورش هستند بپردازند، در صورتیکه آنها بتوانند این وظایف را به خوبی به اجرا در آورند، به بهبود کمیت ها و رشد و توسعه کیفیت های آموزشی کمک شایانی خواهند نمود.

گروههای آموزشی به عنوان مجامع آموزشی، پرورشی و پژوهشی با این اندیشه بوجود آمده است که ضمن برقراری ارتباط سازنده بین دبیران، زمینه استفاده از تجارب و اطلاعات علمی و فنی و آموزشی در روشهای تدریس، گسترش اطلاعات تخصصی، کاربرد وسایل آموزشی و کمک آموزشی، بهره گیری صحیح از وسایل و امکانات سمعی و بصری، به کارگیری اصول و روشهای صحیح ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، تقویت زمینه پژوهش، تحقیق و بررسی علل و افت تحصیلی و مسایل و مشکلات آموزشی و پرورشی دانش آموزان و در نهایت با بهره گیری از اطلاعات روانشناسی و ایجاد رقابت سالم بین دبیران، دانش آموزان را در جهت بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی آماده.

بر اساس دستورالعمل جامع گروههای آموزشی متوسطه (۱۳۷۷) رویکردهای زیر از جمله مواردی هستند که به طور خاص برای گروههای آموزشی در نظر گرفته شده اند: «بهبود کیفیت آموزشی، تکامل تدریجی هدفهای آموزشی، تعیین راهبردهای تحول به منظور تغییر مهارت های ادراکی، فنی و حرفه ای معلمان (دانش، بینش و منش)، التفات بیشتر به تجربه های معلمان در برنامه ریزی جهت سازماندهی تجارب بدیع آموزشی و پرورشی، تقویت و انسجام زمینه های علمی آموزشی معلمان، نظم بخشیدن به فعالیت ها و عناصر متنوع نظام آموزشی متوسطه، ایجاد انسجام بین اهداف، عناصر برنامه درسی و روشهای تدریس و ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی، اهتمام در روش شناسی و روش شناخت علوم، مسأله یابی و جستجوی روشهای نو برای حل مسایل آموزش متوسطه، ترویج مدیریت مبتنی بر تحقیق و پژوهش، کاربست نتایج تحقیقات و پژوهش های علوم تربیتی، تمرکز زدایی تدریجی از برنامه های آموزشی، توسعه عرصه نظارت، کنترل و ارزشیابی در زمینه برنامه، فرآیند و بازخورد فعالیت های آموزشی» (صص ۳-۲).

گروههای آموزشی با تکیه بر اندوخته های علمی در ابعاد آموزشی و کمک آموزشی و با استفاده از ضوابط، ملاک ها و معیارهای علمی مناسب، و با بهره گیری از نظریات صاحب نظران مختلف به خصوص تجربیات مطرح شده به وسیله اندیشمندان مختلف علوم تربیتی و به کارگیری آنها در تعلیم و تربیت راههایی را برای بهبود فرآیندهای یاددهی و یادگیری فراهم می سازند. آنها با اندیشه ای فلسفی و به کمک ابزار و تکنولوژی نوین رسالت دارند تا به یاری معلمان، دانش آموزان، مدیران و در مجموع واحدهای آموزشی بپردازند. بی شک با تکیه بر نقش ها و وظایف پیش بینی شده، اثر بخشی فعالیتهای آنان تأثیر فراوانی برای جامعه آموزشی خواهد بود. [۶]

پیشینه تحقیق

در این گفتار به اختصار به بیان مطالعات و تحقیق هایی که در این زمینه انجام گرفته است، می پردازیم :

نتایج تحقیق خورشیدی (۱۴۰۱) در شناسایی عوامل مؤثر بر اثربخشی راهبران آموزشی و تربیتی نشان داد عوامل مؤثر بر اثربخشی راهبران آموزشی در ۸ عامل خلاصه شدند : ویژگیهای فردی و شخصیتی راهبر ، نظارت و راهنمایی ، دانش فنی و مهارتی راهبری ، جو سازنده و مشارکتی مدرسه ، ایجاد انگیزش و حمایت از همکاران ، ارتباط مؤثر ، رشد و توانمندسازی همکاران ، شرایط محیطی و اقتضایی مدرسه میباشد . بنابراین افرادی که به دنبال نظارت و راهبری اثربخش در آموزش و پرورش هستند ، باید این عوامل را بیشتر مدنظر قرار دهند .

عزیزی (۱۴۰۰) در واکاوی عوامل مؤثر بر اثربخشی معلمان راهبر از دیدگاه معلمان پایه پنجم مدارس ابتدایی نشان داد که منطقه سبکهای نظارتی (اطلاعاتی، غیردستوری و مشورتی) ، محل خدمت، سطح تحصیلات، جنسیت و سنوات خدمت بر اثربخشی معلمان راهبر تأثیر معناداری دارند . همچنین، مشخص شد که معلمان از میان این عوامل، سطح تحصیلات را موثرترین عامل در اثربخشی معلمان راهبر ارزیابی نمودند.

جعفری و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود به بررسی رابطه ساختاری نقش گروه های آموزشی با کیفیت عملکرد معلمان پرداخته اند . نتایج یافته ها نشان داد که رهبری گروه و ارتباطات از دیدگاه معلمان، بالاترین میانگین را به خود اختصاص داده اند . بین ابعاد مختلف نقش گروه های آموزشی (هماهنگ کننده، مشاور، رهبر گروه و ارزیاب) با ابعاد مختلف کیفیت عملکرد (نقش حرفه ای، ارتباطات، مدیریت ارائه دروس، تدریس و هدایت، شایستگی فرهنگی، نظارت و تضمین کیفیت تدریس، کیفیت بازخورد، تکالیف، مدیریت کلاس) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد . نقشهای هماهنگ کننده، مشاور، رهبر و ارزیاب گروه های آموزشی پیش بینی کننده معناداری کیفیت عملکرد معلمان می باشد.

نتایج پژوهش ایژا دانکن و دامینا (۲۰۱۴) در بررسی اهمیت نقش گروه های آموزشی بر کیفیت عملکرد معلمان نشان داد که گروه های آموزشی نباید صرفاً نقش نظارتی داشته باشند، بلکه باید با شناسایی نقاط ضعف معلمان، در جهت یاری رساندن آنان در برطرف کردن این نقاط ضعف و بهبود نقش حرفه ای خود و کسب مهارت های لازم در تدریس کوشش نمایند .

روش تحقیق

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر ساختاری نقش گروه های آموزشی و بازرسی بر کیفیت عملکرد معلمان در مدارس به شیوه توصیفی و از نوع تحلیل محتوا انجام شده است و با توجه به روش پژوهش، جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی می باشد. در این پژوهش ابتدا به بیان گروه و علل تشکیل آن و اهمیت و نقش گروه ها در آموزش پرداخته و پس از آن اهداف گروههای آموزشی و نقش گروه های آموزشی را بررسی کرده ایم . در ادامه بحث نظارت و راهنمایی آموزشی و اهداف آن را مطرح کرده و در پایان به واکاوی نقش راهبران آموزشی بر ارتقا کیفیت عملکرد معلمان پرداخته ایم .

یافته های تحقیق

آموزش و پرورش از دیرباز، نقشی اساسی در تداوم و بقای جامعه بشری ایفا کرده است. آداب و رسوم، اعتقادات و ارزشها، نگرشها و رفتارها، دانش ها و مهارت های جامعه از طریق فراگردهای پرورش و آموزش قابل انتقال و دوام بوده اند. برای دستیابی به آموزش و پرورشی مطلوب و هدفمند، باید با بینشی عمیق متکی بر مطالعات جامع و با حصول صلاحیت های کاملاً تخصصی و حرفه ای و فعالیت هایی جهت دار و با در نظر گرفتن جنبه های مختلف به برنامه ریزی پرداخت. برای این برنامه ریزی باید پشتوانه ای عظیم از فلسفه، فرهنگ، دانش، مهارت و دستاوردهای نوین علوم و فنون و با بکارگیری ابزارها و روشهای جدید، فراهم آورد تا ضمن پاسخگویی به نیازها، مشکلات و تقاضاهای موجود، به نتایج بهتر و غنی تری دست یافت.

جهان معاصر، نقش و ارزش ویژه آموزش و پرورش و جایگاه خاص آن را در پیشبرد اهداف انسانی و رشد جامعه را به خوبی دریافته و بیشترین تلاش و کوشش خویش را در این راه صرف کرده است. از این رو باید بر این باور تأکید داشت که مدرسه به عنوان نهادی اجتماعی، کانون اصلی و سرچشمه پیشرفتهای و یا عقب ماندگی ها در یک جامعه است. در واقع علل پیشرفت و رکود هر جامعه را باید در تار و پود آموزش و پرورش آن جامعه ریشه یابی و جستجو کرد. [۶] اهمیت موضوع گروههای آموزشی در ابعاد مختلف مانند اثر بخشی بر فعالیت های آموزشی، مدیریت مشارکتی و طرحهای جدید نظارت و راهنمایی آموزشی همواره از الویت های تحقیقاتی و همچنین نظام پیشنهادات در آموزش و پرورش بوده است.

گروه و علل تشکیل آن

یک گروه مجموع دو یا چند نفر است که به طریقی با یکدیگر مرادف داشته و هر یک بر دیگری اثر گذاشته و یا تحت تأثیر دیگری قرار می گیرد. در مورد علل تشکیل گروه ها و اینکه چرا افراد به گروه های خاصی می پیوندند، نمی توان هیچ دلیل خاص و یکسانی ارایه کرد؛ زیرا بسیاری از افراد به چندین گروه تعلق دارند. بدیهی است که گروه های مختلف منافع متفاوتی را به اعضای خود می رسانند. رابینز دلایلی که افراد به خاطر آنها به گروه ها می پیوندند را به این ترتیب می داند: «احساس امنیت، پایگاه یا مقام، احترام، وابستگی، قدرت و تأمین هدف» [۷]

بر اساس یک دیدگاه متقدم و تا حدودی کلاسیک، مجاورت در تشکیل یک گروه نقش اساسی دارد. بر اساس این دیدگاه پیشگویی می شود که شاگردانی که در کلاس در مجاورت یکدیگر می نشینند یا دبیرانی که هم رشته و در یک مدرسه هستند، به تشکیل گروه مبادرت می کنند. به نظر جورج هومانز فعالیت، تأثیر و تأثر و احساسات در تشکیل گروه مؤثر است و هر چه افراد در فعالیت های زیادتری شرکت کنند، تأثیر و تأثر آنان زیادتر خواهد شد و همچنین احساسات آنان (علاقه یا بی علاقه گی به یکدیگر) شدیدتر خواهد بود. به همین قیاس، هرچه تأثیر و تأثر افراد زیادتر باشد، تعداد فعالیتها و احساسات مشترک آنان بیشتر است و سرانجام هر چه انسانها نسبت به یکدیگر احساسات زیادتری داشته باشند، فعالیتها و مشترک و تأثیر و تأثر آنها بیشتر خواهد بود. اما براساس نظریه مبادله، پاداش و کیفر عامل اساسی تشکیل گروه یا ادامه عضویت در گروه است. زیرا پاداش موجب تحکیم عضویت می شود و کیفر نیز به نوبه خود موجب باقی ماندن در گروه و همپایی با آن است، زیرا در غیر این صورت انسان احساس اضطراب، ناکامی، تلخکامی و حتی احتمالاً بیماری می کند. [۸]

انواع گروه ها

گروه ها می توانند رسمی و یا غیر رسمی باشند. گروه های رسمی به وسیله ساختار سازمانی مشخص می شوند، کارهای مشخصی به آنها واگذار می گردد و گروه های کاری یا تخصصی را تشکیل می دهند. در گروه های رسمی، رفتار فرد به وسیله هدف های سازمان تعیین تعیین و مسیر حرکت وی مشخص می شود درحالیکه گروه های غیر رسمی بوسیله ساختار سازمانی مشخص نمی شوند و هیچ نوع ساختار رسمی ندارند. این گروه ها به صورت طبیعی، در محیط های کاری تشکیل می گردند و علت موجودیت آنها واکنش هایی است که در برابر نیاز به تماس های اجتماعی از خود نشان می دهند. [۸]

در تقسیم بندی دیگر گروه ها می توانند باز و یا بسته باشند. گروه های باز به گروه هایی اطلاق می شود که عضویت در آنها و نیز خروج از گروه به آسانی صورت می گیرد و معمولاً هر کسی می تواند در این گروه ها شرکت کند. در مقابل، گروه هایی را بسته می نامند که عضویت، ورود و خروج از آنها تابع شرایط ویژه و خاصی می باشد و معمولاً هر کسی نمی تواند در این گروه ها شرکت کند. گروه های آموزشی که درباره آن بحث می شود از دسته گره های رسمی و به نوعی بسته می باشند.

اهمیت و نقش گروه ها در آموزش

از آنجا که با فعالیت کارکنان سازمان در قالب گروه ها، بهتر وظایف سازمانی آنها انجام می گیرد و هماهنگی می شود، مدیران با استفاده از گروهها فعالیت کارکنان را در جهت اجرای اهداف سازمان هماهنگ می کنند. بی شک سازمانهای آموزشی از جمله سازمان هایی هستند که به دلیل نوع فعالیت و ماهیت کارها نیاز به تلاش و فعالیت گروهی دارند. لازم به ذکر است که، تجربه گروه گرایی و تشکیل گروه های کاری در آموزش و پرورش کشورمان به قبل از انقلاب اسلامی برمی گردد. گروه های مختلفی چه رسمی و چه غیر رسمی وارد ساختار تعلیم و تربیت شده، ولی به دلیل ضعف ساختاری و بنیادی، طول عمر آنها چندان زیاد نبوده است. در نظام آموزشی ما بنا به نیاز و مشکلات موجود، مسئولان به اتخاذ تصمیمات و ارایه راه چاره ها و راهکارهایی پرداخته اند. یکی از این راهکارها تشکیل گروه های تخصصی، تحت عنوان گروه های آموزشی بوده که به لحاظ نقش ها و وظایفی که برای آن پیش بینی شده دارای اهمیت خاصی در آموزش و پرورش است.

گروه های آموزشی، مجامع آموزشی، پرورشی و پژوهشی هستند که ضمن برقراری ارتباط مستمر و سازنده بین دبیران، موظفند زمینه معرفی استفاده از تجارب و اطلاعات علمی، فنی و آموزشی در شیوه ها و الگوهای تدریس، گسترش اطلاعات تخصصی، کاربرد مواد آموزشی و کمک آموزشی و بکارگیری روشهای صحیح ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی را با بهره گیری از اطلاعات روانشناسی و ایجاد رقابت سالم بین دبیران و همچنین دانش آموزان نموده، آنها را در جهت بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی آماده سازند (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۵).

گروههای آموزشی تشکلی هایی از معلمان آموزش و پرورش است که با هدف جلب همکاری و استفاده هر چه بهتر از تجارب آنان در تحقق مأموریت های مطلوب در سطح ستاد، سازمان، مدیریت، اداره و مدرسه فعالیت می نمایند. به تعبیر دیگر گروه های آموزشی به عنوان مرجعی علمی و یاری دهنده به معلمان بیش از دو دهه است که در متن نظام تعلیم و تربیت منشا خدمات بسیاری بوده است؛ به گونه ای که آموزش و پرورش کشور در مرحله ی گذار از رشد کمی و ورود به مولفه های کیفی تا حدود بسیار زیادی وام دار این نهاد علمی می باشد. اما تحولات پرشتاب در عرصه ی آموزش و پرورش و تغییرات انجام شده در آن همچون: برنامه ی درسی مبتنی بر فرایند به جای ارزشیابی مقطعی و پایانی؛، تشکیل مدارس مجازی در کنار

مدارس حقیقی، شیوه های تدریس آزاد و خلاق به جای شیوه های تدریس تقلیدی و ... ضرورت تعریف جدید از نقش و وظایف هر یک از افراد، نهاده ها و سازمان های مرتبط با حوزه ی تعلیم و تربیت را ایجاد می نماید. در هر نظام آموزشی، از میان عناصر آن معلمان به عنوان خط مقدم و عامل تحقق بخش اهداف آن نظام تلقی می شوند. معلمان می توانند با وجود کمبود امکانات و فضای آموزشی بستری مناسب و لازم را برای یادگیری و رشد فراگیران تسهیل و فراهم کنند و با به کار گیری شیوه ها و الگو های مناسب تدریس، برخورد ها و روابط انسانی با فراگیران موجب رشد فکری، اجتماعی و عاطفی، اخلاقی و خلاقیتی آنان شوند. از سوی دیگر در کلاس درس، موقعیت ها و مسائلی برای معلمان پیش می آید که حل آن ها نیاز به فکر و تجربه ی کافی می باشد. [۹]

در سال ۱۳۵۹ معاونت امور آموزشی وزارت آموزش و پرورش اولین دستورالعمل گروه های آموزشی را با هدف ایجاد هماهنگی در روش های تدریس، ارتقاء سطح کیفی آموزش در گروه های مختلف، تهیه و به اداره های کل ارسال نمود. در آن دستورالعمل تأکید شده بود تا بخشنامه ارسال جهت اجرا به سایر شهرستان ها، نواحی و مناطق ارسال گردد و همچنین درخواست شده با رعایت برخی موارد و حضور شرایطی خاص، این گروه ها تشکیل شوند (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۵۹). دو سال بعد طی دستورالعملی شماره مجوز تسری گروه های آموزشی به ابتدایی و دبیرستان صادر و طرح به صورت آزمایشی به اجرا درآمد. هدف تعیین شده عبارت بود از ایجاد هر چه بیشتر همکاری و تفاهم برای استفاده از تجارب و اطلاعات معلمان، کارشناسان و صاحب نظران در زمینه های بهبود روش های تدریس و بالا بردن سطح فرآیند های آموزشی، روش های صحیح ارزشیابی و ایجاد رقابت سالم بین معلمان. در این دستورالعمل وظایف گروه های آموزشی در ۲۱ بند تعیین شده است (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۱).

معاونت آموزشی وزارت آموزش و پرورش (۱۳۶۲) با ایجاد تغییراتی در دستورالعمل مذکور را از حالت آزمایشی خارج و بر اجرای مفاد آن تأکید کرد. نکات حائز اهمیت در طرح جدید عبارتند از اینکه علاوه بر نواحی و شهرستان ها به مناطق نیز اجازه داده شد تا گروه ها را تشکیل دهند، و از طرفی با اضافه نمودن ۲ بند به وظایف، آیین نامه انضباطی را نیز ضمیمه دستورالعمل نموده و برای اولین بار گروه های ارزشیابی مطرح و مسئولیت ارزیابی از فعالیت گروه های آموزشی در سطح بخش، منطقه، ناحیه و شهرستان و استان به آنها محول می شود. در سال تحصیلی ۶۴ - ۱۳۶۳ دستورالعمل قبلی مجدداً بازنگری شده و با تأکید بر اهداف قبل، شرح وظایف هماهنگ کنندگان، مدیران اجرایی و سرگروه های آموزشی در کلیه موقعیت های مکانی تعریف و تبیین می گردد. برای اولین بار بکارگیری امکانات و هزینه ها بودجه هایی پیش بینی می گردد، تفکیک وظایف و رسمی شدن فعالیتها و افزایش آنها از دیگر ویژگی های طرح جدید است و گروه ارزشیاب نیز همچون گذشته مسئولیت رسیدگی به فعالیت ها و ارزشیابی از آنها را بر عهده دارند (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۴).

در سال ۱۳۶۹ فعالیت های گروه های آموزشی با شکلی جدید هویت می یابد و این طرح به صورت آزمایشی در سه استان به اجرا در می آید. در این دستورالعمل، شورای هدایت و نظارت بر فعالیت های گروه های آموزشی، جانشین گروه ارزشیابی شده و مسئولیت هماهنگی، بررسی، تصویب طرح ها و برنامه ها، انتخاب اعضای جدید و نظارت بر فعالیت ها را برعهده می گیرد. با شکل جدید، وظایف هماهنگ کنندگان تقلیل یافته و کلی تر می شود. از طرفی، وظایف مدیران اجرایی بیشتر شده و وظایف اعضاء و سرگروه ها به صورت ترکیبی و تفیقی ارائه می شود و از سوی دیگر وظایف هماهنگ کنندگان استانی افزوده می شود. برای اولین بار مجمع عمومی گروه های آموزشی وظیفه تعیین اهم فعالیت های هر یک از گروهها را برای تصمیم گیری شورای نظارت زمینه سازی می کند (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۹).

در سال ۱۳۷۱ دستورالعمل دیگری تهیه و به صورت پیشنهادی ارسال می شود. از مشخصات آن این بوده که فعالیت های کارشناسی تجهیزات آموزشی در حوزه مسئولیتی گروه های آموزشی دیده می شود. در رویکرد جدید به گروه های آموزشی مسئولیت داده شده تا با توجه به تعریف جدید از تکنولوژی آموزشی با استفاده از مبانی روانشناسی، جامعه شناسی و با کاربردی نظام وار از تجربیات سایر علوم و فنون و با بکارگیری درست و صحیح وسایل آموزشی و کمک آموزشی مروج برنامه ریزی آموزشی و درسی شوند (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۱).

در سال ۱۳۷۲ طرح قبلی به سایر استان ها تعمیم داده می شود. در حالت جدید شورای سیاستگذاری توسعه و کاربرد تکنولوژی آموزشی طراحی شده است. در سال ۱۳۷۳ باز هم دستورالعمل جدیدی تهیه و تنظیم شد. در این دستورالعمل، گروه های آموزشی به عنوان مجامع علمی، آموزشی، پرورشی و پژوهشی شناخته شده که باید ضمن برقراری ارتباط سازنده بین دبیران، زمینه استفاده از تجارب و اطلاعات علمی، آموزشی، فنی و آموزشی در روش های تدریس، گسترش اطلاعات تخصصی، کاربرد مواد آموزشی و کمک آموزشی. بهره گیری صحیح از وسایل و امکانات سمعی و بصری، بکارگیری اصول و روشهای صحیح از پیشرفت تحصیلی، تقویت زمینه پژوهش و تحقیق و بررسی علل افت تحصیلی، مسائل و مشکلات دانش آموزان و در نهایت با بهره گیری از اطلاعات روانشناسی و ایجاد رقابت سالم بین دبیران و دانش آموزان آنان را در جهت بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی آماده سازند. در این دستورالعمل، باید گروه های آموزشی راهنمایی و ابتدایی به صورت مشترک زیر نظر معاونت آموزشی عمومی به فعالیت پرداخته، اعضاء سرگروه های متوسطه به شکل مستقل زیر نظر معاونت متوسطه فعالیت کنند. برای سهولت در کار، ملاک هایی برای انتخاب اعضاء، سرگروهها و مدیران اجرایی تعیین شده و شرح وظایف هر یک به صورت مجزا تبیین می گردد. تشکیلات و سازمان گروهها شامل گروههای متوسطه نظری، فنی و حرفه ای و کار و دانش شده است (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۳).

در سال ۱۳۷۴ دستورالعمل قبلی تغییر اساسی و کلی نمی یابد اما بخشنامه های تکمیلی ارسال می شود. الحاقات و ضمائم ارسالی زمینه ای را فراهم می کند تا گروهها بهتر بتوانند به وظایف خود عمل کنند، از طرفی، یک تغییر جدید نیز پیش بینی می شود و ساعاتی به استانها ابلاغ می شود تا بتوانند مجدداً گروه ها را در سطح مناطق، نواحی و شهرستان ها در سطح متوسطه راه اندازی کنند.

در سال ۱۳۷۵ دستورالعمل قبلی به قوت و قدرت خود باقی می ماند ولی پیش نویس دستورالعمل جدید به مراکز استانها ارسال می شود. علی رغم اینکه معاونت های مختلف وزارت آموزش و پرورش محتوای آن را تأیید کرده ولی به دلیل عدم حمایت جدی و قاطع معاونت پشتیبانی وزارت، آموزش و پرورش تا سال ۱۳۷۶ به تصویب نهایی نرسید. از جمله مواردی که به عنوان نقاط قوت دستورالعمل جدید مطرح گردید این بود که سعی شد برای برنامه ها و فعالیت ها پشتوانه ای متکی بر یافته های علوم تربیتی تدوین شود، به طوری که کلیه خط مشی و برنامه ها بر اساس رویکرد نیل به هدف تعریف گردید. در سال ۱۳۷۷، طی بخشنامه ای دستورالعمل جامع گروه های آموزشی دوره متوسطه نظری و مهارتی (نظری، فنی و حرفه ای و کار و دانش) ارسال گردید که تاکنون کلیات محتوای آن تغییر نکرده است و فقط در ابتدای سال، مسئولان با فرستادن بخشنامه هایی، بخشی از مطالب را تقویت و یا کم اثر نموده اند. این دستورالعمل ملاک و راهنمای کار فعالیت های گروههای آموزشی از سطح وزارتخانه تا سطوح سازمانهای آموزش و پرورش و اداره های شهرستان ها، نواحی و مناطق و حتی مدارس قرار گرفته است (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۷).

اهداف گروههای آموزشی

تاکنون در بخشنامه ها و دستورالعمل های مختلف ، اهداف متعددی برای فعالیت گروه های آموزشی پیش بینی شده است . موارد ذیل به عنوان اهداف گروه های آموزشی ذکر شده است :

۱- فراهم نمودن زمینه و شرایط مناسب برای ایجاد ارتباط بین برنامه ریزان و مجریان آموزشی و همچنین استفاده از نظرات و پیشنهادهای ارزشمند معلمان که رکن اصلی آموزش و پرورش هستند .

۲- ارتباط مستمر و سازنده بین ادارات آموزش و پرورش و جامعه معلمان جهت نظارت بر امور آموزش و بهبود فعالیت های تدریس و یادگیری .

۳- ایجاد زمینه و شرایط مناسب برای ارتقاء سطح آگاهی و دانش معلمان از طریق مبادله اطلاعات و تجربیات بین معلمان و ترغیب و تشویق آنها به مطالعه و تحقیق و پژوهش های علمی در زمینه مسائل تعلیم و تربیت .

۴- ترویج فرهنگ استفاده بهینه از تکنولوژی آموزشی در زمینه طراحی و اجرای منظم برنامه های آموزشی و ارزشیابی از این روند .

۵ - ترغیب و تشویق معلمان به خلاقیت و نوآوری در کل فرایند تدریس و یادگیری .

۶ - ایجاد زمینه برای تشکیل انجمن های علمی ، تخصصی دانش آموزان ، معلمان و استادان دانشگاه و علماء و دانشمندان و افراد علاقمند در سطح منطقه / ناحیه / شهرستان و روستاهای کشور

رویکرد های گروه های آموزشی

از جمله رویکردهای گروه های آموزشی می توان به موارد ذیل اشاره نمود :

- بهبود کیفیت آموزشی ؛
- تکامل تدریجی هدف های آموزشی ؛
- تعیین راهبردهای تحول به منظور تغییر مهارت های ادراکی ، فنی و حرفه ای معلمان (دانش - بینش - منش) ؛
- التفات بیشتر به تجربه های معلمان در برنامه ریزی جهت سازماندهی تجارب بدیع آموزش و پرورش ایشان ؛
- تقویت و انسجام زمینه های علمی - آموزشی معلمان ؛
- نظم بخشیدن به فعالیتها و عناصر متنوع نظام آموزشی متوسطه ؛
- ایجاد انسجام بین اهداف عناصر برنامه درسی و روشهای تدریس و ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی ؛
- اهتمام در روش شناسی و روش شناخت علوم ؛
- مسئله یابی و جستجوی روش های نو برای حل مسائل آموزش متوسطه ؛

- ترویج مدیریت مبتنی بر تحقیق و پژوهش ؛
- کاربرست نتایج تحقیقات و پژوهش های علوم تربیتی ؛
- تمرکز زدایی تدریجی از برنامه های آموزشی ؛
- توسعه عرصه نظارت ، کنترل و ارزشیابی (در زمینه برنامه ، فرآیند و بازخورد فعالیت های آموزشی).

نقش گروه های آموزشی

گروه های آموزشی مانند بسیاری از گروه های دیگر در سازمان آموزش و پرورش ، با هماهنگی کردن فعالیت معلمان در جهت اجرای اهداف آموزش و پرورش می تواند بر کیفیت و اثر بخشی آموزشی بیفزاید . اگر چه در بحث های قبلی به صورت ضمنی و تلویحی به بخشی از نقش های گروه های آموزشی اشاره شد اما با مطالعه ای دقیق و استنباط از محتویات دستورالعمل موجود به چندین نقش اساسی آنها اشاره ای صریح تر می شود : [۶]

۱. خلق و نوآوری در آموزش

بدون تردید در دنیای معاصر آن نظام آموزشی می تواند قرین به موفقیت باشد که دائم در حال نوپدیدی ، تغییر ، نوآوری و بهبود باشد . با حذف این عامل مطمئناً رکود و بحران فرآیند آموزش را تحت تأثیر قرار می دهد . نوآوری باید به صورت مداوم در محتوا ، برنامه درسی و آموزشی ، شیوه ها و الگوهای تدریس ، سنجش و اندازه گیری از آموخته های دانش آموزان ، امکانات ، تجهیزات ، تسهیلات و وسایل آموزشی و کمک آموزشی و سبک های مدیریتی و برخی از مسائل دیگر اتفاق افتد و باعث شود علم ، دانش ، بینش ، نگرش و مهارت و فنون افراد تغییر و بهبود یابد .

۲. نظام ، کنترل و هدایت آموزش

به صورت مستمر و هدفمند باید سیاست ها ، خط مشی ها ، برنامه ها و فعالیت های آموزشی را نظارت و کنترل نمود تا به دلایل مختلف از کمیت ها و کیفیت های آموزشی کاسته نشود . باید مراقبت هایی پی در پی اعمال گردد و هدایت هایی صورت پذیرد تا شاخص های موجود کیفی از استانداردهای مدنظر نزول ننموده و ارتقاء یابد و سطح کارایی و اثر بخشی برنامه ها افزایش یابد.

۳. توسعه و بهبود کیفیت آموزشی

در اینجا بحث این است که پس از ابداع و خلق یک یا چند کیفیت آموزشی و کنترل و نظارت بر آنها نباید به حدی قناعت ورزید بلکه باید در صدد بود با ایجاد شرایط و فضای مناسب تر به دنبال کسب نتایج بهتری بود . در دستورالعمل گروه های آموزشی رسالت اصلی و وظیفه عمده و کلان اعضاء و سرگروهها را کیفیت بخشی آموزشی معرفی نموده است . کیفیت نظام آموزشی عبارت است از میزان تطابق وضعیت موجود با یکی از حالت های :

الف (استانداردها (معیارهای از قبل تعیین شده)

ب (رسالت ، هدف و انتظارات

در بررسی کیفیت باید به دنبال خصوصیات و ویژگی هایی بود و نسبت این ویژگی ها را بر اساس استانداردها، رسالت، اهداف و انتظارات تعیین و تبیین نمود که این نیازمند فرآیندی کاملاً تخصصی است و باید گروهی خاص که در این زمینه صلاحیت و توانایی دارند به آن بپردازند.

۴. نظارت و راهنمایی آموزشی

یکی دیگر از نقش های گروه های آموزشی، نظارت و راهنمایی آموزشی است که بخشی جدانشدنی از فرآیند تعلیم و تربیت است و فعالیت گروه های آموزشی تا حدود زیادی با « راهنمایی » و « نظارت » هماهنگ، هم سنخ و مرتبطند و جداسازی و تفکیک آنها مشکل است، اگر چه ممکن است در برخی مسائل، وجوه مختلفی را داشته باشند ولی در کل یک مقصد و مسیر را طی می کنند و به یک هدف عمده که همان کیفیت بخشی آموزشی است نظر دارند و بدنبال اصلاح و بهبود وضع آموزشی و پرورشی هستند.

نظارت و راهنمایی آموزشی از وظایف مهمی است که برای اداره نظام آموزشی خوب ضرورت دارد و هدف اصلی آن اصلاح و بهبود وضع آموزشی است. وجود برنامه های نظارت و راهنمایی آموزشی و کیفیت تداوم آن در تحقق هدف های آموزشی نقش تعیین کننده ای دارد. امروزه راهنمایان آموزشی به منظور اصلاح وضع آموزشی تحت عنوان رهبران آموزشی با معلمان و به کمک آنان کار و فعالیت می کنند و از طریق همکاری حرفه ای سعی در ارتقای کیفیت عملکرد معلمان و رفع مسائل و مشکلات آنان دارند. اگرچه برنامه های نظارت و راهنمایی آموزشی و عناوین راهنمایان آموزشی در نظام های آموزشی مختلف متفاوت است، اما وظایف آنان کم و بیش مشابه است.

راهنمایان آموزشی در نظام های آموزشی کشورهای مختلف جهان در موقعیت های گوناگون و ادوار مختلف با عناوینی از قبیل معلم راهنما، معلم مشاور، ناظر یا سرپرست آموزشی، بازرس آموزشی راهبر آموزشی و راهنمای آموزشی نامیده شده اند، اما وظیفه اصلی آنان با هر عنوانی که نامیده شوند و در هر پست و مقامی که خدمت کنند، برقراری ارتباط، کار و همکاری حرفه ای با معلمان و کمک به آنان است تا بهتر رشد و پرورش یابند و بدین وسیله فرآیند تدریس و یادگیری را اصلاح کنند، عملکرد مؤثرتری داشته باشند و در نهایت نتایج آموزشی مطلوب تری به دست آورند. رشد و پرورش بهتر معلمان به معنای رشد و پرورش بهتر دانش آموزان و نیز موفقیت برنامه های نظارت و راهنمایی آموزشی است که رضایت و حمایت عمومی از مدارس را در پی دارد و این هدفی است که نظارت و راهنمایی آموزشی در نظام های آموزشی درصدد نیل به آن است. [۱۰]

اهداف نظارت و راهنمایی آموزشی

- حل و فصل مسایل و مشکلات معلمان
- اصلاح فرایند تدریس یادگیری
- ارتقاء کیفیت عملکرد معلمان و در نتیجه دانش آموزان. [۱۱]

وظایف نظارت و راهنمایی آموزشی

نیکنامی به نقل از صاحب نظران تعلیم و تربیت، ویژگی های زیر را برای نظارت و راهنمایی آموزشی جدید عنوان می کند:

[۱۲]

- نظارت و راهنمایی آموزشی ضمن توجه به اصول و مبانی تعلیم و تربیت بایستی اشاعه یادگیری جهت دار و معنی دار را ترغیب کند.
- هدف نظارت و راهنمایی آموزشی باید مبتنی بر اصلاح کل فرآیند یاددهی- یادگیری باشد و نه صرفاً بر اصلاح کار معلمان محدود گردد.
- کلیه کسانی که حاصل کار آنان در نهایت بر محیط های آموزشی و شرایط و جریان آموزشی اثر می گذارد بایستی در برنامه نظارت و راهنمایی آموزشی لحاظ گردند.
- معلم در فرآیند آموزشی باید به عنوان یک عنصر شایسته و ارزنده جایگاه خاصی در ارتباط و همکاری با سایر کارکنان داشته و سعی کند بیشترین بازدهی آموزشی را برای دانش آموزان داشته باشد.
- نظارت و راهنمایی تعلیماتی بایستی بخشی از کار معلم چه در کلاس درس و چه در خارج از کلاس درس باشد. تمام افرادی که قادرند در رفع مسائل و مشکلات آموزشی و بهبود ارتقای آن نقشی ایفا کنند بایستی عملاً در این فرآیند شرکت داشته باشند.
- نظارت و راهنمایی تعلیماتی نوین براین فرض است که آموزش و پرورش ضمن این که فعالیتی مشارکت جویانه است بر مبنای خلاقیت و پویایی های فردی و گروهی عمل می کند.
- نظارت و راهنمایی تعلیماتی باید مبتنی بر روابط پسندیده باشد تا بازدهی هرچه بیشتر معلمان و مدیران حاصل گردد. به اعتقاد صاحب نظران روحیه گروهی، مشارکت گروهی، پیوستگی و خلاقیت گروهی مستلزم وجود روابط انسانی سالم و سازنده در سازمان می باشد.
- نظارت و راهنمایی تعلیماتی باید جامع الاطراف باشد و شامل کلیه برنامه ها، فرآیندها، شرایط یادگیری، محیط های آموزشی، ابزار و وسایل، تجهیزات، تسهیلات و نیروی انسانی گردد.
- امروزه به همان اندازه که آموزش اهمیت دارد، تحقیقات نیز مهم می باشد، از این رو نظارت و راهنمایی تعلیماتی باید جنبه علمی و پژوهشی داشته و راهنمایان تعلیماتی، مدیران، معلمان و دانش آموزان در انجام پژوهش ها شرکت فعال داشته باشند.

به منظور بهبود مدیریت و تسهیل نظارت و راهنمایی، بر فعالیتهای آموزشی و پرورشی افراد توانمند به عنوان راهبران آموزشی تأکید می شود. راهبر آموزشی فردی از نیروهای رسمی و پیمانی آموزش و پرورش است که ضمن برخورداری از شایستگی ها و صلاحیتهای دانشی و مهارتی به روز، هدایت، راهبری و نظارت بر فرایندهای آموزشی و پرورشی را از طریق بهره گیری از روش ها و شیوه های متناسب، با تمرکز بر فعالیتهای مدرسه ها، مدیران، معلمان و سایر کارکنان، به منظور دستیابی به تعالی

مدیریت آموزشگاهی و رشد و بالندگی حرفه‌ای آن‌ها در راستای تحقق اهداف آموزش و پرورش بر عهده دارد. این اهداف ارتقای کیفی امور آموزشی و تربیتی، مهارت‌های حرفه‌ای معلمان و ارائه مشاوره‌ای و راهبری آموزشی را دنبال می‌کند. [۱۳]

نقش راهبران آموزشی بر ارتقا کیفیت عملکرد معلمان

راهبر آموزشی که راهنمای آموزشی هم نامیده می‌شود، فردی است که برنامه‌های نظارت و راهنمای آموزشی را در مدرسه طراحی، اجرا و ارزشیابی می‌کند و با دیگر کارکنان مدرسه ارتباط متقابل دارد. طبق ضوابط معین و به‌طور دقیق تعریف‌شده‌ای فعالیت می‌کند، ساختار سازمانی که در آن به کار می‌پردازد مشخص است و فلسفه، جایگاه، هدف و ماهیت وظیفه او به‌طور دقیق تبیین شده است. [۱۲]

در گذشته‌های به‌نسبت دور، نقش راهبر آموزشی و تعلیماتی بیشتر شبیه بازرسی و رعایت ضوابط آموزشی بود. امروزه نسبت به دهه‌های گذشته، با افزایش چالش‌های جدید و مداوم در مدرسه، تنها با روش‌های سنتی مدیریتی و بدون ایفای نقش‌های مؤثر راهبری، اثربخشی مدرسه به‌کندی پیش می‌رود و حتی در مواردی هم امکان‌پذیر نیست. [۱۴]

این نوع نقش نظارتی راهبران آموزشی که به‌منظور بازرسی رسمی و اداری صورت می‌گیرد، موجب بروز ترس و نگرانی در معلمان و نبود اطمینان آنان نسبت به راهبر آموزشی می‌شود. این نوع نظارت، نه‌تنها به بهبود وضع آموزش کمکی نمی‌کند، بلکه موجب می‌شود امکان کاهش یا رفع مشکلات آموزشی که سال‌های متمادی به‌عنوان موانع آموزشی مطرح بوده است، از بین برود. همچنین، حیطه عملکرد راهبران آموزشی، به بازرسی‌های ریاستی یا تشریفاتی محدود باشد، زیرا نتایج حاصل از این نوع نقش نظارتی، به تسهیل و پیشبرد آموزش و یادگیری منجر نمی‌شود. [۱۲]

بنابراین، راهبری در نظارت تحولی به‌دنبال ایجاد نقش همکارانه بین خود و معلم است تا به معلم کمک کند از هم و با هم یاد بگیرند و با یکدیگر به‌دنبال اصلاح و بهبود تدریس و فعالیت‌هایی باشند که به رشد و پیشرفت همه‌جانبه دانش‌آموزان منجر می‌شود. افزون بر این، راهبران آموزشی و تربیتی باید راهبرانی اثربخش و کارآمد باشند تا به معلمان کمک کنند روش‌های جدید و مؤثری را ابداع و شرایط یادگیری را برای دانش‌آموزان تسهیل کنند.

حیطه نظارت راهبر آموزشی از نظر دوره تحصیلات رسمی به سطح ابتدایی محدود است. این دوره از شش‌سالگی آغاز می‌شود، مدت آن شش سال است، آموزش همگانی نام دارد و یکی از مهم‌ترین دوره‌های آموزشی محسوب می‌شود. راهبر آموزشی به‌منظور نظارت و راهنمایی مستمر و اثربخش برای دوره ابتدایی انتخاب می‌شود. از جمله علت‌های محدود کردن نظارت و راهنمایی آموزشی به دوره ابتدایی این است که آموزش ابتدایی با محتوای تقریباً یکسان، همگانی و اجباری است و درس‌ها به صورت عمومی هستند و یک معلم دارند. [۱۵] چنانچه راهبر آموزشی در نظارت و راهنمایی آموزشی به‌خوبی تربیت شود، می‌تواند نقش‌های لازم و مناسب خود را به‌خوبی ایفا کند و اثر چشمگیری بر رفتار مدیران، معلمان و دانش‌آموزان بگذارد.

راهبر آموزشی در صورتی در انجام نقش و وظایف خود موفق خواهد بود که درباره تعلیم و تربیت و دوره‌های آن، به‌خصوص دوره ابتدایی، تجربه کافی داشته باشد و اطلاعات، تجربه‌های زیاد درباره فلسفه، اصول، هدف‌ها، ارزش‌ها، برنامه‌های درسی و ویژگی‌های معلمان کسب کرده باشد، نقاط قوت و ضعف جامعه خود را بشناسد و بداند که چگونه می‌تواند جامعه خود را در برطرف کردن نقاط ضعفش یاری کند، و توانایی رهبری و راهنمایی مدیران، معلمان و دانش‌آموزان را داشته باشد تا بتواند اثر لازم و مفیدی را بر آن‌ها داشته باشد. اگرچه نمی‌توان نقش‌های قاطع و تغییرناپذیری برای راهبران آموزش تعیین کرد، اما رهبری

مداوم معلمان و تلاش برای برقراری روابط متعادل و منطقی بین معلمان، از نقش های بسیار مهم راهبران آموزشی است (وکیلان، ۱۳۹۰).

تحلیل نقش های راهبران آموزشی

۱. برنامه ریزی آموزشی :

در این زمینه، راهبر آموزشی در تدوین، و توسعه برنامه ها و خط مشی های آموزشی، با دیگر متخصصان و کارشناسان آموزش و پرورش همکاری نزدیک دارد.

۲. توسعه و تحقق برنامه درسی :

معلمان و دانش آموزان برای تحقق برنامه های درسی فعالیت می کنند و مسئولیت اجرای مؤثر آن ها با راهبر آموزشی، معلم و مدیر مدرسه است. راهبر آموزشی در این زمینه کمک های مورد نیاز را به معلم ارائه می دهد.

۳. نظارت و هماهنگی :

آموزش و پرورش برای رسیدن به هدف هایی که تعیین کرده است، نیازمند نظارت و هماهنگی است. وجود راهبر آموزشی دوشادوش معلمان، برای رسیدن به نتایج مطلوب آموزشی، موجب می شود خود معلمان نسبت به کسب این نتایج نگران و حساس تر از کسانی باشند که بر فعالیت آنان نظارت دارند.

۴. ارزشیابی آموزشی:

در ارزشیابی، تمام عناصر آموزشی و غیر آموزشی مدنظر قرار دارند و مردم از این طریق می توانند عملکرد معلمان و مدرسه ها را بررسی کنند.

۵. راهبری آموزش:

در همکاری حرفه ای با معلم، برای اجرای منظم ارزشیابی، تجزیه و تحلیل نتایج آن و تجدیدنظر در برنامه های آموزشی مدرسه، نقش مهمی ایفا می کند.

۶. کمک معلم در شناخت تفاوت های فردی دانش آموزان:

امروزه محور تعلیم و تربیت، تفاوت های فردی هستند. راهبر آموزشی به معلم کمک می کند توانایی، سرعت یادگیری، استعدادها، گرایش ها و علاقه های دانش آموزان را بشناسد.

۷. کمک به معلم در استفاده مطلوب از وسایل آموزشی:

راهبر آموزشی در این زمینه به معلمان باتجربه، بی تجربه و تازه کار کمک می کند با استفاده از وسایل آموزشی و کمک آموزشی، کیفیت تدریس خود را بهبود بخشند.

۸. کمک به معلم برای اصلاح روش تدریس:

کمک می کنند تا معلمان روش تدریسی را انتخاب کنند که با موضوع درسی مرتبط است. معلمان موفق هیچ گاه از طرح درس واحد یا روش تدریسی خاص برای همه درس ها و کلاس ها استفاده نمی کنند، بلکه روش تدریس خود را با توجه به موقعیت انتخاب و اصلاح می کنند.

۹. کمک به معلمان در کسب ثبات کاری و امنیت شغلی در جامعه:

امنیت شغلی معلمان بر کارایی و اثربخشی آن ها می افزاید و احساس ثبات و امنیت شغلی با اهمیت تر از احراز خود شغل است.

۱۰. کمک به معلم در به کارگیری بهترین روش ارزشیابی از دانش آموزان:

امروزه گزارش های معلم از پیشرفت تحصیلی دانش آموز و تهیه خلاصه ای از وضعیت تحصیلی خودش در طول سال، منبع معتبرتری از ارزشیابی است که هدف از آن سنجش میزان پیشرفت تحصیلی و تغییرات رفتاری دانش آموزان است.

۱۱. کمک به پیشرفت حرفه ای معلم:

این مورد در مرکز برنامه های نظارت قرار دارد. رشد و پیشرفت حرفه ای معلم بر اعتماد به نفس او می افزاید و موجب می شود او با دیگران ارتباط متقابل برقرار کند.

۱۲. آگاه کردن والدین از عملکرد مدرسه:

مدرسه و جامعه همواره با یکدیگر ارتباط دارند. راهبر آموزشی ارتباط دهنده مدرسه و منطقه است و از لحاظ سازمانی، پس از مدیر، بیشترین ارتباط را با کارکنان و دانش آموزان مدرسه دارد. او نقش مدیریتی و معلمی دارد. پل ارتباطی بین مدرسه و منطقه است. برای آشنایی والدین با عملکرد مدرسه و پیشرفت آن، جلساتی تشکیل می دهد و اطلاعات را در اختیار والدین می گذارد. [۱۳]

نتیجه گیری

آموزش و پرورش به عنوان اساسی ترین نهاد تربیتی کشور پایه گذار شخصیت دینی، علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نسل آینده است. برای دستیابی به آموزش و پرورشی مطلوب و هدفمند، باید با بینشی عمیق متکی بر مطالعات جامع و با حصول صلاحیت های کاملاً تخصصی و حرفه ای و فعالیت هایی جهت دار و با در نظر گرفتن جنبه های مختلف به

برنامه ریزی پرداخت. برای این برنامه ریزی باید پشتوانه ای عظیم از فلسفه، فرهنگ، دانش، مهارت و دستاوردهای نوین علوم و فنون و با بکارگیری ابزارها و روشهای جدید، فراهم آورد تا ضمن پاسخگویی به نیازها، مشکلات و تقاضاهای موجود، به نتایج بهتر و غنی تری دست یافت. سازمان های آموزشی از جمله سازمان هایی هستند که به دلیل نوع فعالیت و ماهیت کارها نیاز بیشتری به تلاش و فعالیت های گروهی دارند. ساماندهی فعالیت کارکنان در قالب گروه ها باعث افزایش هم اندیشی و بالا بردن توان علمی، برنامه ریزی و تعامل افکار می شود و از این طریق وظایف سازمانی به صورت مطلوب تر انجام می گیرد، مدیران می توانند با تشکیل گروهها ضمن استفاده از پتانسیل و توان افراد متخصص دارای توانایی های مرتبط، فعالیت کارکنان را در جهت اجرای اهداف سازمان و رساندن توانایی آنها به حداکثر ممکن محقق نمایند.

گروههای آموزشی تشکلی هایی از معلمان آموزش و پرورش است که با هدف جلب همکاری و استفاده ی هر چه بهتر از تجارب آنان در تحقق مأموریت های مطلوب در سطح ستاد، سازمان، مدیریت، اداره و مدرسه فعالیت می نمایند. هدف اصلی از تشکیل گروه های آموزشی ایجاد زمینه ی مناسب برای تبادل تجربیات موثر و فعال معلمان، همکاری و هم فکری با کارشناسان و برنامه ریزان نظام آموزش و پرورش از طریق تاثیر گذاری بر نهاده ها و فرآیند آموزشی شامل (بهبود روش های تدریس، احیاء فرهنگ خلاقیت و نوآوری، اصلاح و بهبود برنامه ی درسی، استفاده ی بهینه از منابع موجود و استقرار نظام کارآمد ارزشیابی آموزشی و ...) به نحوی که ما را در شناخت تنگناها و مشکلات آموزشی و پرورشی و ارایه ی راهکارهای مناسب برای اصلاح و توسعه ی نظام تعلیم و تربیت کشور رهنمون سازد و در یک جمله افزایش کیفیت آموزشی می باشد.

در فرهنگ تعلیم و تربیت نظارت و راهنمایی به کوششهای مسئولان منتخب مدرسه برای راهنمایی و هدایت معلمان و دیگر کارکنان آموزشی در اصلاح وضع آموزش و پرورش گفته می شود که مستلزم تحریک رشد و پیشرفت حرفه ای معلمان، انتخاب هدفهای آموزشی و تجدیدنظر در آنها، مواد آموزشی، روشهای تدریس و ارزشیابی آنهاست. راهبر آموزشی که راهنمای آموزشی هم نامیده می شود، فردی است که برنامه های نظارت و راهنمای آموزشی را در مدرسه طراحی، اجرا و ارزشیابی می کند و با دیگر کارکنان مدرسه ارتباط متقابل دارد. راهبران آموزشی در تحقق اهداف آموزشی نقش مهمی ایفا می کنند و هدف آنها اصلاح وضع آموزش و یادگیری است. آنها با عنوان رهبران آموزشی همراه با معلمان فعالیت می کنند و سعی دارند کیفیت عملکرد معلمان را ارتقا دهند و مسائل و مشکلات آنها را حل کنند، زیرا افزایش کیفیت عملکرد معلمان، پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را به دنبال دارد.

منابع

۱. طوسی، محمدعلی؛ مفهوم تازه ای از آموزش و پرورش در روزگار کنونی. فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش، شماره ۱۴، تهران: انتشارات وزارت آموزش و پرورش، (۱۳۷۵)
۲. عبداللهی، حسین؛ آموزش و پرورش و چالشهای پیش روی آن، ماهنامه پژوهش نامه آموزشی، شماره ۵۶، تهران: انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت، (۱۳۸۱)
۳. نیکخواه، علی؛ یک آموزش و پرورش کارآمد و تاثیر گذار چه ویژگی های باید داشته باشد؟، (۱۳۹۴)

<https://nikkhah1023.blog.ir/1394/07/25/>

۴. رایینی، محمدغنی؛ اندیشمند، ویدا؛ عملکرد حرفه ای معلمان، پژوهش های کاربردی در مدیریت و حسابداری، سال سوم، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۹۷، ۱۸۳ - ۱۷۷
۵. مهر محمدی، محمود. فصلنامه تعلیم و تربیت. تهران: وزارت آموزش و پرورش، شماره ۳۱، ۱۳۷۱، صص ۳۰ - ۲۷.
۶. یوسفوند، علی؛ نقش و جایگاه گروه های آموزشی در توسعه یادگیری معلمان، ۱۳۹۱،
<http://teknodelfan1391.blogfa.com/post/8>
۷. کریمی، عادل؛ گروه های آموزشی، ۱۳۹۱،
<https://adelehkarimi.blogspot.com/1391/09/07/post->
/۷۲
۸. رابینز، استیفن پی.؛ مبانی رفتار سازمانی؛ مترجمان علی پارسائیان، محمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۸۶
۹. صفرزاده، محمد، هدف اصلی از تشکیل گروه های آموزشی چیست؟، ۱۳۹۲،
<http://teknoloj.blogfa.com/post/23>
۱۰. قوانینی، شکوه؛ نظارت و راهنمایی آموزشی، نشریه کیهان، ۱۳۸۶
۱۱. یوسفی، رضا؛ تعریف، اهداف و ابعاد نظارت و راهنمایی آموزشی، برگرفته از سایت www.sajedi.ir
۱۲. نیکنامی، مصطفی؛ نظارت و راهنمایی آموزشی. چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت. ۱۳۸۲
۱۳. سبحانی، احترام؛ تأملی بر نقش راهبران آموزشی، ۱۴۰۰، <https://www.roshdmag.ir/fa/article/27480>
۱۴. عابدی نیا، افشین؛ شناسایی عوامل مؤثر بر اثربخشی راهبران آموزشی و تربیتی. پایان نامه کارشناسی ارشد. ۱۳۹۹
۱۵. وکیلان، منوچهر، نظارت و راهنمایی تعلیماتی. انتشارات دانشگاه پیام نور. چاپ اول. تهران. ۱۳۹۰